

سامانه فرماندهی حوادث در مواجهه با بحرانهای طبیعی

مهدی آخوندزاده لیچائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

با وجود تلاش های اثربخش بسیاری که در گذشته برای مدیریت شهر انجام شده است، اما در برخی موارد نبود قوانین، مقررات و دستورالعمل های کارا و اجرایی و نیز ناهماهنگی بین شهرداری ها، سازمان های دولتی و ارگان های ذی نفع، نواقصی را در بخش های مختلف اداره شهر در مواجهه با بحران به همراه داشته است. امروزه شهرنشینی شتابان، موقعیت جغرافیایی نامناسب مراکز جمعیتی، عدم توجه به پهنه بندی خطرات، عدم تحقق برنامه های توسعه منطقه ای، رشد نامتوازن مناطق، نزدیکی مراکز جمعیتی به یکدیگر و افزایش تراکم جمعیتی سبب شده است تا در زمان وقوع بلایای طبیعی، با سوانحی بزرگ مقیاس مواجه شویم که این موضوع چالش های جدی را ایجاد می نماید. از طرفی به جهت هزینه بر بودن اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با سوانح طبیعی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، لزوم پرداختن به مدیریت حین بحران جهت پاسخگویی سریع و اثربخش به سوانح، به امری غیرقابل انکار بدل شده است. رشد شتابان شهرنشینی و گسترش بی رویه شهرها، معضلات و پیچیدگی هایی را به همراه داشته است. از پیامدهای این پدیده، شدت یافتن ضرب اهنگ تغییر فضایی_ کالبدی شهرها به طور اعم در مراکز شهری، بافت های کهن و اصولاً بخش های مرکزی شهرها بطور اخص بوده است که اغلب سبب افت منزلت های اجتماعی، نابسامانی در سازمان فضایی_ کالبدی، زوال اقتصادی و نا کارآمدی کارکردی در این محدوده ها شده است؛ و در نتیجه می توان گفت وسعه شهر و مدیریت بحران مروری بر گذشته نشان می دهد که وقوع بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله و غیره، معمولاً تأثیرات مخرب و زیانباری بر سکونتگاه های انسانی باقی گذارده و تلفات و خسارات سنگینی به جا گذاشته است. لذا از دیدگاه ایمنی، بهترین و مناسب ترین اقدام لازم، جداسازی انسان از منطقه خطر است؛ چرا که نمی توان خطر را محدود یا به طور کامل تحت کنترل در آورد.

واژگان کلیدی

مدیریت یکپارچه، سازمان، بحران طبیعی

۱. کارشناس آتش نشانی و جانسین فرمانده سازمان آتش نشانی رشت.

۱- مقدمه

مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت‌های فرسوده بر استفاده از ظرفیت نهادهای موجود تأکید می‌کند و بسترهای نهادی میان کنشگران را به‌منظور ایجاد سازمان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی پایدار مهیا می‌کند. اصلاح ابعاد رویه‌ای مدیریت شهری به‌عنوان بسترهای نهادی و مبتنی بر تعامل میان کنشگران مختلف مبتنی بر نقش، وظایف و عملکرد آن‌ها می‌تواند زمینه تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار را فراهم کند؛ در این بین شریان‌های حیاتی یا همان زیرساخت‌ها جزء بنیان‌های اصلی و چارچوب‌های پایه‌ای هر جامعه به شمار می‌آیند که در برگیرنده‌ی تمامی تأسیسات و تسهیلات مورد نیاز آن جامعه‌اند. در زندگی مدرن، با افزایش وابستگی سریع به این امکانات، این نیاز روزافزون شده است. شریان‌های حیاتی شهرگت تعیین‌کننده‌ی بقای شهرنشینی در دنیای امروز هستند و این شریان‌ها برای تولید و توزیع کالاها و خدمات در واحدهای شهری به کار می‌روند و امکان زندگی در شهرها نیز بستگی به کیفیت و کمیت کارکرد این شریان‌ها دارد؛ همچنین طبق تعریف سازمان امنیت اجتماعی و آمادگی شرایط اضطرار کانادا، زیرساخت‌های حیاتی، شبکه‌ها، تأسیسات و سرویس‌های اطلاعاتی و فیزیکی مرتبط به یکدیگر هستند که اگر منقطع یا تخریب شوند، بر روی سلامتی، ایمنی، امنیت و اقتصاد جامع تأثیر جدی خواهند گذاشت. انواع شریان‌های حیاتی عبارتند از سیستم‌های آبرسانی، شبکه برق، خطوط لوله نفت و گاز، جمع‌آوری فاضلاب و آب‌های سطحی، شبکه ارتباطات و حمل و نقل. ایمنی شریان‌های حیاتی در پیش و پس از بحران‌های طبیعی برای جلوگیری از تخریب و حتی به تأخیر افتادن عملکرد شریان‌ها و بررسی‌های دقیق در جهت ارتقاء ایمنی آنها امری ضروری است. امروزه شهرنشینی شتابان، موقعیت جغرافیایی نامناسب مراکز جمعیتی، عدم توجه به پهنه بندی خطرات، عدم تحقق برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، رشد نامتوازن مناطق، نزدیکی مراکز جمعیتی به یکدیگر و افزایش تراکم جمعیتی سبب شده است تا در زمان وقوع بلا یا طبیعی، با سوانحی بزرگ مقیاس مواجه شویم که این موضوع چالش‌های جدی را ایجاد می‌نماید. از طرفی به جهت هزینه بر بودن اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با سوانح طبیعی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، لزوم پرداختن به مدیریت حین بحران جهت پاسخگویی سریع و اثربخش به سوانح، به امری غیرقابل انکار بدل شده است. ویژگی‌هایی چون حجم انبوه داده‌ها، تعدد سازمانها و نهادهای مسئول و وجود طیف متنوعی از نیازها و خواسته‌ها در این سوانح، لزوم به‌رمندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای سازماندهی داده‌ها و کمک به مدیریت به موقع و اثربخش بحران را بیش از پیش ضروری نموده است.

بحران: پیشامدی است که بصورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه و یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث بوجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران‌ها بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد.

مدیریت بحران: به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، چاره‌جویی‌ها و دستورالعمل‌هایی اطلاق می‌گردد که مدیریت یک سازمان، در چالش با بحران انجام می‌دهد و هدف آن کاهش روند، کنترل و رفع بحران است. بطور کلی مدیریت بحران به معنای سوق دادن هدفمند جریان پیشرفت امور، به روالی قابل کنترل و انتظار بازگشت امور در اسرع وقت، به شرایط قبل از بحران است.

اقدامات فرهنگی، تبلیغی: در این سند یعنی اقداماتی که احساس نیاز در اقشار مختلف مردم را به منظور مقابله با مخاطرات طبیعی با استفاده از ابزارهای مختلف نظیر نمایشگاه، همایش، سمینار، رسانه و... بوجود می‌آورد.

آموزش: کلیه مساعی و کوشش‌هایی است که جهت ارتقاء سطح دانش و آگاهی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و شغلی و همچنین ایجاد رفتار مطلوب در کارکنان یک سازمان جهت آماده کردن آنان برای انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی صورت می‌گیرد که در این سند مدت زمان آن حداقل ۲ ساعت می‌باشد.

چشم انداز: اقشار مختلف مردم در استان مرکزی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و در زمان مقابله با مخاطرات طبیعی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و ارزشهای اسلامی مردمی هستند توانمند، دارای حس نوع دوستی و تعلقات اجتماعی و آگاهی مدیران به دانش مدیریت بحران

۲- دیدگاه‌های نظری و پایه مدیریت بحران

به واسطه شرایط و پتانسیل خطر حاکم بر بافت‌های فرسوده شهری، توجه به نظریه و دیدگاه‌های پایه در مدیریت بحران ضرورت دارد. این موضوع ترسیم‌کننده نگاه جامع و کلان به موضوع مدیریت بحران می‌باشد که در ادامه در چارچوب فلسفه مقابله با سوانح در بافت‌های فرسوده شهری ارائه می‌شود:

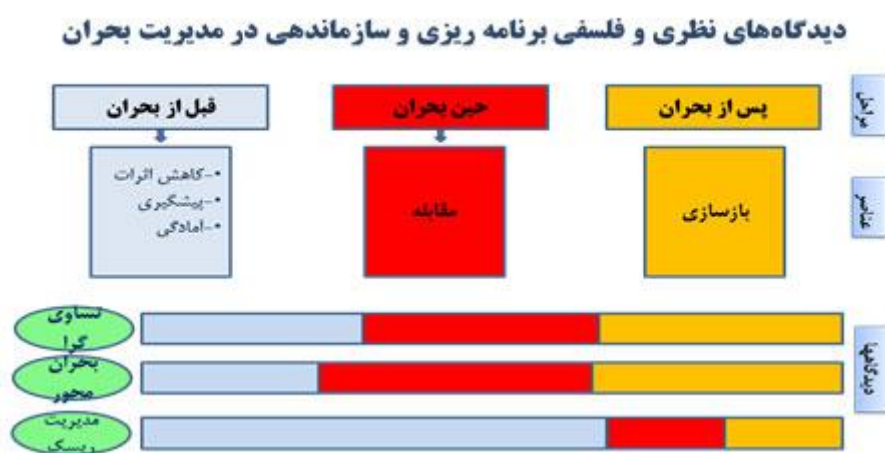
۲-۱- دیدگاه سنتی یا بحران محور:

در این دیدگاه که نگاه تقدیرگرایانه به مقوله بروز سوانح دارد دولت‌ها و مردم بروز سوانح را امری عادی و مشیتی تلقی می‌کنند و تسلیم شرایط احتمالی بروز حوادث می‌شوند. در واقع چنین جوامعی منتظر بروز سوانح می‌مانند و در صورت بروز تلاش می‌نمایند تا نسبت به مقابله با آن اقدام نمایند. لذا این دیدگاه با تاکید بر چارچوب‌های پذیرفته شده در مدیریت بحران به مجموعه اقدامات پس از وقوع سوانح بسنده می‌نماید.

۲-۲- دیدگاه مدرن یا پیشگیرانه:

این دیدگاه با پذیرش وقوع سوانح و حوادث تلاش می‌کند تا با بسیج امکانات و تجهیزات و آماده نمودن جامعه با حوادث احتمالی مقابله نماید. در این چارچوب نظری «زندگی با حوادث» و برنامه ریزی برای مقابله با آن به عنوان یک اصل پذیرفته شده تلقی می‌گردد. لذا تلاش دولت، برنامه ریزان و مدیران سوانح انجام فعالیت‌های پیش‌اندیشیده برای مقابله با حوادث احتمالی است. این دیدگاه ریسک‌مدار بوده و سعی دارد خطرات سوانح و حوادث غیر مترقبه را در محیط‌های زندگی افراد جامعه کاهش دهد و در واقع معطوف به برنامه ریزی پیش از بحران می‌باشد. این در حالی است که مجموعه فعالیت‌های حین و بعد از وقوع حوادث احتمالی را نیز مد نظر قرار می‌دهد. در حال حاضر دیدگاه

مدرن مورد توجه جدی برنامه ریزان و مدیران سوانح در بسیاری از کشورها می باشد و جهت گیری و استراتژی آتی چنین کشورهایی در مدیریت بحران سوانح بر این مبنا تنظیم و با دقت پیگیری و اجرا می شود. در چارچوب دیدگاه های فوق برای دستیابی به یک سیستم جامع مدیریت بحران باید به دقت چرخه عناصر مدیریت بحران را شناسایی نمود. سپس برای مراحل مختلف این چرخه، برنامه ریزی و سیاستگذاری نمود. بدین ترتیب مراحل زمانی قبل از بحران، شروع بحران، حین بحران و پس از بحران باید مدنظر باشد. لذا در فرآیند برنامه ریزی مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری باید سهم اصلی بر عهده اقدامات دوره پیشگیری قرار گیرد. شکل زیر دیدگاه های مختلف نظری و فلسفی در برنامه ریزی و سازماندهی مدیریت بحران را نشان می دهد.



شکل ۱- دیدگاه های نظری و فلسفی برنامه ریزی و سازماندهی در مدیریت بحران

۳- گذر از مدیریت بحران به مدیریت ریسک

سیر تحول نحوه مقابله با بلایا و بحران های احتمالی باعث شکل گیری دانشی تحت عنوان مدیریت بحران شده است. در مقابل این نحوه تفکر و مدیریت، موضوع ارزیابی خطر و آسیب پذیری و مدیریت ریسک نیز به عنوان مکمل این دانش مطرح است. مجموعه اجزاء و عناصری مانند آمادگی، کاهش اثرات و پیشگیری، مقابله و بازسازی سیستم مدیریت بحران را شکل می دهند و به دلیل ارتباط متقابل و تاثیر و تاثر این اجزاء بر یکدیگر لازم است نگاهی جامع، منسجم و یکپارچه در مدیریت بحران وجود داشته باشد. همچنین در سیستم جامع مدیریت بحران به برنامه ریزی، سازماندهی، بهره وری بهینه از منابع، آموزش و تمرین و کسب مهارت های تخصصی توجه ویژه می شود. متکی بر نظام سیاسی و اداری و بسته به نوع و تنوع حوادث، مدل های متفاوتی اعم از مدل های متمرکز و غیر متمرکز جهت مدیریت بحران در دنیا وجود دارد که ایران نیز از سیستم مدیریت بحران متمرکز برخوردار می باشد. همچنین سازمان های مربوطه باید به نحو مطلوبی نسبت به انجام تمهیدات لازم و ضروری و بهبود امور و اوضاع بعد از بروز بحران اقدام به عمل آورند. در یک تعریف اولیه مدیریت بحران به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که قبل از وقوع، در حین وقوع و بعد از وقوع بحران جهت کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می گیرد. مطابق تعاریف ارائه شده در متون آموزشی مرجع سازمان

ملل، مدیریت بحران اصطلاحی است که همه جنبه های برنامه ریزی برای مقابله و پاسخگویی به بلایا از جمله فعالیت های قبل، حین و بعد از بلایا را در بر می گیرد. این مفهوم به مدیریت خطر نیز می پردازد. شرایط حاکم بر جوامع و شکل گیری فضاهای مختلف جهت برآوردن نیازهای افراد و عدم پیش بینی و یا احتمال وقوع برخی حوادث و بحران ها ایجاب می نماید که بخشی از دانش مدیریت بحران را به صورت عینی تر مدنظر قرار دهیم و در طبقه بندی زمانی جهت مقابله و مدیریت بحران های احتمالی به مجموعه اقدامات و برنامه هایی که خاصیت پیشگیرانه دارند و قبل از وقوع سوانح می توان آنها را انجام داد اهمیت بیشتری قائل باشیم. انجام این فعالیت ها باعث می شود تا به جای مدیریت بحران از مفهوم مدیریت ریسک استفاده شود.

در مدیریت ریسک مهمترین موضوعی که طرح می شود برآورد میزان خطر و تعریف دقیق برنامه های پیشگیری است. به نوعی می توان مدیریت ریسک را مدیریت پیشگیرانه و آینده نگرانه در خصوص مقابله با بحران ها تعریف نمود. اگرچه در مدیریت خطر نیز همانند مدیریت بحران پیوسته باید تغییر و تحول صورت گیرد، اما مدیریت خطر در تلاش برای کاهش اثرات خطر، آمادگی در برابر خطر و واکنش به موقع است. برخلاف مدیریت بحران، گرایش مدیریت خطر درونی است نه بیرونی؛ یعنی هدفش نگهداری و محافظت از اموال و دارایی های مادی و حفظ سلامت افراد جامعه است. در واقع مدیریت بحران در انجام وظایف خود ناچار است به شیوه مدیریت خطر بیندیشد.

۴- مفاهیم مرتبط با بافت های فرسوده شهری

۴-۱- تعریف و شاخص های شناسایی انواع بافت

مطابق مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری کشور بافت کهنه، فرسوده و نابسامان شهری که در هسته مرکزی یا لایه های میانی شهرها واقعند و نیازمند دخالت و ساماندهی هستند به لحاظ ویژگی های فضایی، کالبدی و ارزشی، همسان نبوده و تعاریف زیر آنها را از هم متمایز می کند:

- **بافت های تاریخی:** ابنیه و فضایی که قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی شکل گرفته و به ثبت آثار ملی رسیده یا قابلیت ثبت شدن را دارا می باشند (مانند مجموعه میدان نقش جهان و پیرامون آن) و تماما واجد ارزش فرهنگی تاریخی هستند. در مورد اینگونه بافت ها، ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ملاک عمل خواهد بود.

- **بافت قدیم:** آن بخش از بافت های شهری را شامل می شود که قبل از ۱۳۰۰ شکل گرفته ولیکن به دلیل فرسودگی کالبدی و فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام و خدمات و زیرساخت های شهری علیرغم برخوردارگی از ارزش های هویتی از منزلت مکانی و سکونتی پایین برخوردارند. مداخله در اینگونه بافت ها یا سایر بافت های شهری متفاوت بوده و اقدامات از نوع بهسازی، روانبخشی و نوسازی خواهد بود که در قالب طرح های ویژه به اجرا درخواهند آمد. (تعاریف مندرج در موارد ۶ و ۷ اساسنامه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری - مصوب هیات وزیران)

- **بافت فرسوده:** بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخوردارگی مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات، خدمات و زیر ساخت های شهری آسیب پذیر بوده و از

ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنین و مالکین آنها امکان نوسازی خودبخودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن را ندارند، معیارهای اساسی شناسایی و تشخیص اینگونه بافت‌ها در ادامه ارائه می‌گردد.

۲-۴- ویژگی عمومی بافت‌های فرسوده

الف) عمر ابنیه: ساختمان‌های موجود در اینگونه بافت‌ها عمدتاً قدیمی می‌باشد و فقدان استانداردهای لازم، از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافت‌ها عمدتاً تحمل مقاومت در مقابل زلزله‌ای با شدت متوسط را ندارد.

ب) دانه بندی و تعداد طبقات: ابنیه مسکونی واقع در اینگونه بافت‌ها عمدتاً ریزدانه بوده و اکثر آنها یک یا دو طبقه هستند.

ج) نوع مصالح: مصالح بکار رفته در اینگونه بافت‌ها عمدتاً از انواع خشتی، آجر و چوب و یا آجر و آهن بدون رعایت اتصالات افقی و عمودی می‌باشد.

د) وضعیت دسترسی‌ها: بافت‌های فرسوده که عمدتاً بدون طرح قبلی ایجاد شده‌اند عمدتاً از ساختاری نامنظم برخوردارند و دسترسی‌های موجود در آنها عمدتاً پیاده می‌باشد به گونه‌ای که اکثر معابر آن بن بست یا با عرض کمتر از ۶ متر بوده و ضریب نفوذناپذیری در آنها کمتر از ۰/۳۰ است. مساحت عرصه ابنیه واقع شده در این بافت‌ها عمدتاً کمتر از ۲۰۰ متر مربع می‌باشد.

ه) وضعیت خدمات و زیر ساخت‌های شهری: بافت‌های فرسوده به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها و فضاهای باز، سبز و عمومی دچار کمبودهای جدی‌اند.

و) شاخص‌های کیفی: مساله جمعیت‌پذیری بافت‌ها، حریم گسل‌ها، مسیر قنات‌ها و رود دره‌ها و بافت‌های روستایی درون شهری و ... از دیگر مسائلی هستند که در تعیین بافت‌های فرسوده موثر می‌باشند.

۳-۴- شاخص‌های شناسایی بافت‌های فرسوده و آسیب‌پذیر

بافت‌های آسیب‌پذیر بر اساس بلوک آسیب‌پذیر تعریف شده و بلوک آسیب‌پذیر بلوکی است که حداقل یکی از شرایط سه‌گانه زیر را داشته باشد.

الف) بلوکی که دارای حداقل ۵۰ درصد بناهای فرسوده نامناسب به لحاظ زیستی و سکونتی یا آسیب‌پذیر باشد، بناهای فرسوده یا آسیب‌پذیر حداقل یکی از شرایط دوگانه زیر را باید داشته باشد.

۱- بنایی که فاقد سیستم سازه‌ای باشد (سازه بتونی، فولادی یا شناژهای تحتانی، قائم و فوقانی) به تشخیص کارشناس رسمی ساختمان.

۲- بنایی که در اجرای آن مفاد آیین‌نامه ۲۸۰۰ رعایت نشده باشد یا قابلیت انطباق با آیین‌نامه مذکور را نداشته باشد.

ب) بلوکی که حداقل ۵۰ درصد املاک آن مساحتی کمتر از دویست متر مربع را داشته باشد.

ج) بلوکی که حداقل ۵۰ درصد عرض معابر آن (قبل از اصلاحی) بن بست و یا با عرض کمتر از ۶ متر باشد یا ضریب نفوذ ناپذیری آن کمتر از ۰/۳۰ باشد.

۴-۴- مدیریت بحران و بافت های فرسوده شهری

با این توصیف کلان از چارچوب های حاکم بر مدیریت بحران و مفاهیم بافت های فرسوده شهری می توان اذعان نمود که در فضاهای شهری استقرار سیستم یکپارچه مدیریت بحران نیازمند نگاه سیستمی است. برخی از فضاهای شهری نیز نیازمند توجه خاص و ویژه در پهنه شهر می باشند. یکی از این مناطق، بافت های فرسوده شهرهاست که برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای را برای تامین ایمنی این بافت ها طلب می نماید. کارایی و پویایی سیستم مدیریت بحران و ارائه خدمات ایمنی و امداد به شهروندان ساکن در این بافت ها نیز شرایط خاصی را طلب می نماید. برای مقابله با حوادث غیر مترقبه در شهرها توجه به شرایط نیز راهگشا خواهد بود:

۵- وضعیت استقرار کاربری های شهری به واسطه مطلوبیت و سازگاری کاربری ها با یکدیگر

۱- شرایط استقرار و وضعیت تاسیسات حیاتی و زیر ساخت های شهری اعم از شبکه های آب، برق، گاز، ارتباطات

۲- نحوه دسترسی به بافت های شهری و شبکه ارتباطی شهر به لحاظ سلسله مراتب و قابلیت اطمینان و جایگزینی آنها در هنگام بروز بحران

۳- تراکم و وضعیت بافت های شهری به لحاظ نفوذپذیری و عمر بناها و تاسیسات موجود.

۴- بافت های فرسوده شهری نیز به دلیل دارا بودن شرایط ویژه دارای آسیب پذیری بالایی می باشند. پتانسیل و ارزیابی خطر حاکم در این بافت ها نشان می دهد که در زمینه مدیریت بحران و مقابله با حوادث احتمالی به دلیل شرایط زیر توجه به این بافت ها ضرورت بیشتری می یابد.

- از منظر شهرسازی و فنی و مهندسی

- استفاده از مصالح غیر استاندارد و کم دوام
- بالا بودن عمر بناها و تاسیسات واقع در محدوده این بافت ها
- پایین بودن سطح رعایت اصول و ضوابط فنی و مهندسی در ساخت و سازهای واقع در محدوده بافت های فرسوده

- باریک بودن عرض معابر و شبکه های دسترسی در بافت های فرسوده و ایجاد مساله در امر امداد و نجات
- عدم وجود تاسیسات پایه شهری از جمله شبکه های اطفاء حریق و امداد و نجات در بافت های فرسوده شهری
- فرسودگی تاسیسات زیربنایی و پایه موجود در این بافت ها
- وضعیت ویژه طراحی شهری این بافت ها
- فشردگی بافت و کوچک بودن مساحت پلاک های موجود

- بالا بودن تراکم شهری و ساختمانی در محدوده بافت ها

- از منظر اقتصادی

- ارزش پایین زمین و ساختمان به نسبت سایر فضاهاى شهری
- استقرار افراد با طبقه درآمدی پایین تر در محدوده این بافت ها
- کمبود سرمایه گذاری های زیرساختی و تمایل به انجام آن در محدوده این بافت ها

- از منظر اجتماعی

- وضعیت فرهنگی اقشار اجتماعی ساکن در بافت های فرسوده (سطح تحصیلات، میزان باسوادی و...) با این شرایط در زمینه مدیریت بحران در بافت های فرسوده ابتدا می بایست نگاه و دیدگاه کلان به این موضوع در بافت های فرسوده را طراحی و تعریف نمود که حسب شرایط و دیدگاه های علمی موجود بیش از اینکه به مدیریت بحران با نگاه پس از بحران در این بافت ها نگاه کرد ضرورت دارد نگاه مدیریت ریسک و پیش اندیشانه و قبل از بحران به آن داشت. موضوعی که در سوابق مدیریت بحران در ایران تاکنون کمتر به آن پرداخته شده و اخیراً در برنامه های چهارم و پنجم توسعه و برنامه های دولت مورد اقبال قرار گرفته است. در همین چارچوب در بافت های فرسوده شهری ابتدا ارزیابی خطر حاکم در این بافت ها ضرورت می یابد. استراتژی کاهش خطر در محدوده بافت های فرسوده در قالب بررسی ماتریسی شرایط زیر امکان پذیر می باشد که اجرای آن نیازمند بررسی دقیق و علمی با استفاده از تخصص های مختلف می باشد:

- ارزیابی و ترسیم نقشه مخاطرات
- شناسایی اجزای در معرض خطر
- تعیین اثرات احتمالی خطر
- تعیین توانایی های مطلوب در زمینه پاسخ به بحران
- تعیین اولویت های برنامه کاهش خطر

در بررسی میزان آسیب پذیری بافت های فرسوده شهری، مراحل شناختی آن می تواند بر اساس روش New Hanover County انجام گیرد که گام های آن به شرح زیر می باشد.

Hazard identification	شناخت مخاطرات	گام اول
Hazard analysis	تحلیل مخاطرات	گام دوم
Physical Analysis	تحلیل کالبدی	گام سوم
Critical facilities Analysis	تحلیل امکانات و تاسیسات	گام چهارم
Social Analysis	تحلیل اجتماعی	گام پنجم
Economic Analysis	تحلیل اقتصادی	گام ششم
Environmental Analysis	تحلیل زیست محیطی	گام هفتم
	تحلیل نهایی	گام هشتم

۵- قوانین و مقررات مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری

در قوانین و مقررات بالادست کشور به موضوع مدیریت بحران در بافت های فرسوده توجه جدی شده است که احصاء آنها ترسیم کننده چشم انداز و نگاه استراتژیک به این موضوع در بافت های فرسوده شهری می باشد. از جمله این قوانین، مقررات و سیاست های تصویب شده می توان به اجمال به موارد زیر اشاره کرد:

۱- سیاست های کلی نظام در خصوص «پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیر مترقبه» که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ تصویب و ۱۳۸۴/۹/۲۵ ابلاغ گردید و مطابق وظایف و برنامه های مجمع تشخیص مصلحت نظام و با هدف استفاده از تمامی پتانسیل های موجود در کشور برای مقابله با حوادث احتمالی و پیش اندیشی برنامه ها و اقدامات لازم در این زمینه در قالب بند ۲-۷ ایمن سازی و بهسازی لرزه ای ساختمان های دولتی، عمومی و مهم، شریان های حیاتی و تاسیسات زیربنایی و بازسازی و بهسازی بافت های فرسوده حداکثر تا مدت ۱۰ سال مد نظر قرار گرفته است.

۲- قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب سال ۱۳۸۷ در بند ۸ ماده ۸ این قانون با مضمون هماهنگی و نظارت در زمینه ایجاد و گسترش سیستم های موثر پیشگیری، مقاوم سازی و بهسازی لرزه ای ساختمان ها، زیرساخت ها و ابنیه و شریان های حیاتی و مهم و بازسازی و بهسازی بافت های فرسوده، روش های اتکائی و جبرانی خسارت نظیر انواع بیمه ها، حمایت های مالی و سازوکارهای تشویقی، تسهیلات ویژه و صندوق های حمایتی با همکاری دستگاه های ذی ربط مورد توجه قرار گرفته است.

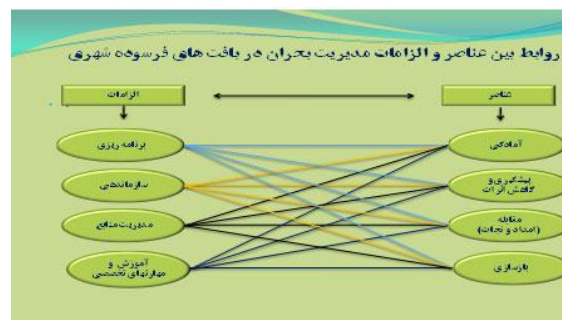
۳- طرح جامع امداد و نجات کشور مصوب ۱۳۸۲ مستند به ماده ۴۴ قانون برنامه سوم توسعه کشور

۴- قانون برنامه چهارم توسعه کشور مواد ۳۰ و ۳۱؛ در ماده ۳۰ و در قالب بخش عمران شهری و روستایی استحکام بخشی ساخت و سازها را به عنوان یک هدف مطرح و دولت را موظف به اقداماتی نموده است. از جمله نوسازی و

بازسازی بافت های قدیمی شهرها و روستاها و مقاوم سازی ابنیه موجود

۵- برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۰ ماده ۱۷۱ بر احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافت های فرسوده و دسته بندی طرح های واقع در این مناطق تاکید دارد. همچنین این سیاست در قالب بنده ماده ۱۹۴ به صورت بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی مد نظر قرار گرفته است.

در برنامه ریزی و تعریف استراتژی کلان برای مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری به دو موضوع الزامات مدیریت بحران شامل سازماندهی، برنامه ریزی، استفاده بهینه از منابع، مهارت های تخصصی و نیازهای آموزشی و کسب آمادگی و همچنین اجزاء سیستم مدیریت بحران شامل آمادگی، پیشگیری، کاهش اثرات، مقابله (امداد و نجات) و بازتوانی بازسازی می بایست توجه شود که کاربست آن می تواند مبنای تعریف راهکارهای میان مدت در زمینه مدیریت بحران در بافت های فرسوده باشد: هدف از طرح این موضوع ارائه یک طرح کلی از نیازهای عمده و اساسی در راستای مقابله با بحران می باشد که سیستم مدیریت بحران باید خود را به آنها تجهیز نماید تا بتوان سیستمی کارآمد برای مقابله با حوادث احتمالی در بافتهای فرسوده و نامقاوم شهری ایجاد نمود. نمودار زیر روابط بین عناصر و الزامات مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری را نشان می دهد که کاربست این روابط می تواند منجر به تدوین برنامه ها و سازماندهی نیروها و امکانات مختلف گردد.



روابط بین عناصر و الزامات مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری

رویکرد غالب در تدوین این روابط نگاه مدیریت ریسک و قبل از بحران خواهد بود تا هدف کاهش اثرات ناشی از بروز حوادث احتمالی در ابعاد تلفات انسانی و خسارات اقتصادی محقق گردد و می توان انتظار داشت که سیستم مدیریت بحران در بافت فرسوده در قالب عناصر و الزامات، منجر به تدوین برنامه های عملیاتی با توجه به شرایط بافت فرسوده گردد. این برنامه ها می تواند در قالب محورهای زیر تدوین و ملاک عمل مدیران بحران و مدیران شهری به ویژه در شهرهای بزرگ و دارای خطرپذیری بالا گردد:

- برنامه آمادگی در برابر بحران
- برنامه کاهش اثرات و پیشگیری
- برنامه پاسخ و واکنش در برابر بحران
- برنامه بازسازی و بازتوانی

مدیریت بحران در بافت فرسوده

سکونتگاه های غیررسمی مثل بافت فرسوده، سکونتگاه های خودرو و خود انگیخته با حداقل و ناچیزترین امکانات هستند که با وضعیتی اسف بار در گوشه و کنار شهرها شکل گرفته اند و به روند گسترش روزافزون خود ادامه می دهند. قطعاً یکی از وجوه بارز این وضعیت اسف بار، کالبد نامناسب و فقر اجتماعی و اقتصادی ساکنان این سکونتگاه ها است. لذا جهت تعدیل وضعیت نامناسب و توانمندسازی این مناطق، آگاهی از وضعیت گذشته و حال این سکونتگاه ها یکی از ضروریات اس توسعه شهر و مدیریت بحران مروری بر گذشته نشان می دهد که وقوع بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله و غیره، معمولاً تأثیرات مخرب و زیانباری بر سکونتگاه های انسانی باقی گذارده و تلفات و خسارات سنگینی به جا گذاشته است. لذا از دیدگاه ایمنی، بهترین و مناسب ترین اقدام لازم، جداسازی انسان از منطقه خطر است؛ چرا که نمی توان خطر را محدود یا به طور کامل تحت کنترل درآورد. سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، در اهداف هزاره ۲۰۱۵-۲۰۳۰ و اهداف هزاره توسعه پایدار ۲۰۱۵-۲۰۳۰ و حتی اندیشمندان و پژوهشگران، در نقاط مختلف جهان؛ بر این موضوع تأکید اساسی دارند که توجه به برنامه ریزی در توسعه پایدار شهری یکی از ارکان اصلی توسعه کشورها می باشد به این صورت که یک شهر به عنوان مجموعه ای بهم پیوسته؛ از عوامل: اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، سیاسی و غیره می باشد که بافت آن و یا کالبد فیزیکی آن می تواند از عوامل فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و غیره تأثیر پذیرفته باشد؛ اما آنچه که در این جا مورد نظر سازمانهای مختلف " ملی و بین المللی " است؛ این است که شهر بدون توجه به کلیت یک سرزمین و بخش های مختلف با آن؛ جز یک مجموعه ناهنجار و عقیم، چیزی نمی باشد. با اوج گرفتن نگرانی از عواقب فعالیت های انسانی و به دنبال گزارش برانت لند در دهه ۱۹۸۰، پارادایم توسعه پایدار مطرح شد. این رویکرد از ابعاد متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی بسط داده شده و امروز در ادبیات برنامه ریزی شهری، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در راستای تحقق توسعه پایدار شهری پژوهشگران مختلف به ابعاد و موضوعات مختلفی تأکید کرده اند اما؛ ابتدا می بایست به این مهم توجه کرد " که در یک شهر تنها یک شهر نمی باشد؛ و در یک شهر تنها جمعیت انسانی زندگی نمی کند " و با این تفکر می توان کلیه عوامل تأثیر گذار و تأثیر پذیر را به درستی قبول کرد، بررسی کرد و شناخت پیدا کرده و بتوان آن را تحلیل علمی و منطقی کرد. پس شناخت هر پدیده قبل از هر چیز نیاز به تعریفی جامع و کامل از آن پدیده دارد و واضح است که هر چه این تعریف جامع و کاملتر باشد شناخت آن پدیده آسانتر و دقیق تر خواهد بود باید اقرار کرد علی رغم پیشرفت علوم و فنون برای بعضی از پدیده ها تا کنون تعریف جامع ارائه نگردیده است که توسعه پایدار شهری یکی از این موارد می باشد. توسعه پایدار شهری یکی از موضوعات اصلی در علوم انسانی و طبیعی است و با وجود اینکه از این مفهوم استنباط متعددی صورت گرفته است ولی همچنان از عدم شفافیت معنایی و مصداقی برخوردار است. بالا رفتن عمر شهرها، کالبد شهری را برجای نهاده است که به عنوان بافت تاریخی شناخته می شوند. بافت های تاریخی اگر چه دارای ویژگیهای مختلف و متنوع و حتی منحصر به فردی می باشند، اما دو ویژگی مشترک در اکثر آنها عبارتند از بردوش کشیدن بار گذشته ی تاریخی و فرهنگی یک

مجتمع زیستی انسانی و دوم فرسودگی بیش از حد بناها و ناکارآمدی تکنولوژی مورد استفاده می‌باشد. تنهاتعداد محدودی از شهرها به لزوم آماده ساختن خود برای رویایی با گستره وسیعی از بحران‌ها پی برده اند، به همین ترتیب، برای مقابله با سلسله گسترده‌ای از بحران‌ها، ساز و کارهای لازم برای شناسایی علائم بحران رابه وجود نیاورده‌اند. موضوع بافت‌های فرسوده سالهاست در جهان مورد توجه سازمان‌های دولتی و نیز متخصصینی چون شهرسازان و معماران قرار گرفته است و به صورت‌های متفاوت با آن برخورد می‌شود. حل مشکلات بافت‌های فرسوده، نیازمند برخوردی صحیح و روشی مناسب است. ایجاد تیم مدیریت بحران به منظور ساماندهی بافت‌های فرسوده و همکاری همه جانبه مدیریت شهری و مردم با آن می‌تواند از مهمترین راهها به منظور ساماندهی بافت‌های فرسوده باشد. بافت‌های فرسوده؛ اصطلاحاً به مناطقی از شهر اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰٪ املاک آن سه ویژگی شاخص زیر را داشته باشد: ۱. مساحت قطعات کمتر از یکصد متر مربع باشد؛ ۲. ساختمان‌ها، کم دوام یا بی دوام و خشت و گل و چوبی باشد؛ ۳. شبکه معابر کمتر از شش متر عرض داشته باشد. این دلایل می‌تواند شامل موارد فرهنگی، اجتماعی، شهرنشینی، اقتصادی، اثری و مالکیت و سایر عوامل باشد. پس با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت: که توسعه پایدار شهری و از همه مهمتر کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات و برنامه ریزی در کشورهای مختلف به شمار می‌رود که دارای مؤلفه‌های چندگانه‌ی اجتماعی، محیطی و اقتصادی می‌باشد. توجه به این شاخص در شهرها بدلیل نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه ریزی شهری و بطور کلی تعیین میزان قابل زیست بودن شهرها فزونی یافته است. در شهرهای کشور، بافت‌های فرسوده از جمله مناطق شهری می‌باشند که آهنگ تحولات کالبدی و رونق اقتصادی- اجتماعی آنها با سایر نقاط شهری مطابقت نداشته و سطح کیفی زندگی در آنها به سبب فرسودگی تنزل چشمگیر می‌یابد. در نهایت باید گفت که شهر پدیده‌ای چندبُعدی، پیچیده و پویاست و برنامه ریزی دقیق و کامل برای تمام عناصر آن امری دشوار است و بر همین اساس، به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات، کانون توجه بحث پایداری شده‌اند. با توجه به این که توسعه پایدار بیش از هر معیاری بر معیارهای کیفی و انسانی تأکید می‌کند، بنابراین به منظور دستیابی به یک وضعیت پایدار واقعی در شهرها، تدوین سیاست‌هایی جهت حصول به شهرهای پایدار ضروری می‌نماید. علی رغم اهمیت جنبه‌های اقتصادی توسعه، به نظر می‌رسد که توسعه چیزی بیش از رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی و ارزش‌ها و سنت‌های بومی را نیز در بر می‌گیرد. شهر پایدار باید چهارچوب ارزشی و اخلاقی را در خود متبلور کند. یک چنین شهرهای مطلوبی آثار اقدامات، فعالیت‌ها و سیاست‌هایی در زمینه‌های مختلف زندگی خصوصاً زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی می‌باشد. چنین شهرهایی بایستی هم کمیت‌های مادی و هم کیفیت‌های معنوی را در بر بگیرد، متأسفانه برخی از پژوهشگران کمیت‌های مادی و کیفی، یا معنوی در یک مجموعه در نظر نمی‌گیرند و به صورت تک بُعدی به این موضوع تأکید دارند، در شهرهای پایدار، تفکیک و جدایی فضایی بارزی در گروه‌های درآمدی وجود ندارد و کلیه افراد و گروهها به خدمات و تسهیلات اساسی دسترسی آسان و دارای موقعیت‌های برابر می‌باشند؛ بنابراین مفهوم شهر پایدار مفهومی بسیار ارزشمند

است باید به این نکته توجه کرد که پایداری کامل و واقعی هرگز قابل وصول نیست با این حال، نباید هرگز انسان را از تلاش برای حرکت به سوی پایداری باز دارد. شهری که حتی یک قدم در جهت پایداری بردارد باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرد. حرکت به سوی پایداری بهتر از عدم آن است. امروزه متراکم سازی بعنوان ایده شهر پایدار که می تواند در کاهش مصرف انرژی و حفظ حیات زیست از اهداف اساسی توسعه پایدار باشد در بین متخصصان عرصه معماری و شهر سازی و... مطرح می باشد اما آنچه حائز اهمیت است میزان تحقق فشرده گی در شرایط گوناگون است که به یک شهر حاکم می باشد که از آن جمله می توان به شرایط اقلیمی - محیطی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی حتی مقیاس شهر اشاره نمود. در واقع متراکم سازی و همچنین نوسازی و بهسازی بعنوان کالبد شهر پایدار فرایند پویاست اما برای اینکه هر متراکم سازی و نوسازی پایدار باشد باید محدودیت ها و آستانه ها به طور کامل درک گردند و مورد توجه قرار گیرند. در نتیجه می توان چنین گفت بلایای طبیعی در طول تاریخ جزو ناگزیر زندگی انسان می باشد و زلزله از مخرب ترین این بلایای طبیعی به شمار می رود. ایران نیز بر روی کمر بند زلزله واقع شده و گسل های فراوانی در آن وجود دارد، بنابراین فعالیت گسل ها و وقوع زلزله در ایران اجتناب ناپذیر است. یکی از اساسی ترین اقدامات انسان جهت تخفیف تلافات ناشی از وقوع زلزله، «مدیریت بحران» می باشد.

۶- نتیجه گیری

در کشور ما اسکان غیررسمی یا شکل گیری بافت فرسوده با رشدی سریعتر از رشد شهرنشینی به تعبیری رسمی، مواجه بوده و برآورد می شود که یک پنجم جمعیت شهری در اینگونه سکونتگاه ها مستقر باشند. در حالیکه نگرش غالب مدیریت شهری در برخی از کشورها و از جمله در ایران حذف بخش غیررسمی از عرصه عمومی شهر و ساماندهی (به مفهوم حذف) بخش غیررسمی به خاطر مشکلاتی چون سد معبر است. در مباحث شهرسازی و ارتباط آن با مدیریت بحران یکی از موضوعات مهم و قابل تامل، مبحث بافت های فرسوده شهری است که همواره دغدغه هایی را بین مدیران شهری و دست اندرکاران مدیریت بحران شهری ایجاد نموده است. به منظور مقابله و پاسخگویی به بحران های احتمالی و لزوم اتخاذ تصمیم سریع، صحیح و اجرای عملیات موثر در این بافت ها، ضرورت دارد مجموعه ای از اقدامات و برنامه ها قبل، حین و بعد از بحران صورت گیرد. این برنامه ها در چارچوب سیاست های کلان و چشم انداز مطلوب مدیریت بحران به وسیله مشاهده سیستماتیک بحران ها و تجزیه و تحلیل آنها در جستجوی یافتن ابزاری است که به واسطه آنها بتوان از بروز بحران ها پیشگیری نموده و یا در صورت بروز بحران، در خصوص کاهش آثار آن، ایجاد آمادگی لازم برای مقابله، امداد رسانی سریع و بهبود اوضاع در شرایط اضطرار اقدام نمود. امروزه، دیدگاه مدرن یا پیشگیرانه، جهت مقابله با بلایای طبیعی و وقوع سوانح و حوادث، تلاش می کند تا با بسیج امکانات و تجهیزات و آماده نمودن جامعه با حوادث احتمالی مقابله نماید. در این چارچوب نظری «زندگی با حوادث» و برنامه ریزی برای مقابله با آن به عنوان یک اصل پذیرفته شده تلقی می گردد. لذا تلاش دولت، برنامه ریزان و مدیران سوانح، انجام فعالیت های از پیش تعیین شده برای مقابله با حوادث احتمالی است. این دیدگاه ریسک مدار بوده و سعی دارد خطرات سوانح و

حوادث غیر مترقبه را در محیط های زندگی افراد جامعه کاهش دهد و در واقع، معطوف به برنامه ریزی پیش از بحران می باشد. این در حالی است که مجموعه فعالیت های حین و بعد از وقوع حوادث احتمالی را نیز مد نظر قرار می دهد. در حال حاضر، این دیدگاه مورد توجه جدی برنامه ریزان و مدیران سوانح در بسیاری از کشورها می باشد و جهت گیری و استراتژی آتی چنین کشورهایی در مدیریت بحران سوانح، بر این مبنا تنظیم و با دقت پیگیری و اجرا می شود. عریف مدیریت بحران عبارت است از فرآیند برنامه ریزی ها و اقدامات دولتی، دستگاه های اجرایی و عمومی که با مشاهده و تجزیه و تحلیل بحران ها به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ و با استفاده از ابزارهای موجود، در جهت پیشگیری، آماده سازی، مقابله و بازسازی، تمهیداتی را برای مقابله با بحران های احتمالی آتی پیش بینی نماید. اهداف کلی مدیریت بحران اهداف کلی مدیریت بحران، بهینه سازی فعالیت های مقابله با بحران و به حداقل رساندن خسارات ناشی از آن است. در مدیریت بحران، بهبود بهره وری باتوجه به اهمیت حیاتی عملیاتی آن، از ضرورت ویژه ای برخوردار است. در ابتدا مدیریت زمان را در نظر می گیریم که در آن مدیر موظف است هزینه ها و مدت پروژه را کاهش و تعداد و کیفیت پروژه ها و فعالیت ها را جهت نیل به اهداف افزایش دهد. به عبارت دیگر زمان شروع واکنش و امداد رسانی و هزینه ی عملیات برای امداد رسانی باید کاهش یابد. از طرف دیگر، حجم عملیات آمادگی، امداد رسانی و بازسازی، کیفیت عملیات آمادگی، امداد رسانی و بازسازی، سطح آمادگی مقابله با بحران و حجم اقدامات بازسازی و عادی سازی باید افزایش یابد. در چارچوب دیدگاه های فوق، برای دستیابی به یک سیستم جامع مدیریت بحران، باید به دقت چرخه عناصر مدیریت بحران را شناسایی نمود. سپس برای مراحل مختلف این چرخه، برنامه ریزی و سیاستگذاری نمود. بدین ترتیب، مراحل زمانی قبل از بحران، شروع بحران، حین بحران و پس از بحران باید مدنظر باشد. لذا در فرآیند برنامه ریزی مدیریت بحران، باید سهم اصلی بر عهده اقدامات دوره پیشگیری قرار گیرد. موارد کلیدی در بحث مدیریت بحران: برای مقابله با حوادث غیر مترقبه در شهرها، توجه به موارد ذیل و داشتن آگاهی کافی نسبت به آنها امری ضروری است. وضعیت استقرار کاربری های شهری به واسطه مطلوبیت و سازگاری کاربری ها با یکدیگر شرایط استقرار و وضعیت تأسیسات حیاتی و زیرساخت های شهری اعم از شبکه های آب، برق، گاز، ارتباطات نحوه دسترسی به بافت های شهری و شبکه ارتباطی شهر به لحاظ سلسله مراتب، قابلیت اطمینان و جایگزینی آنها در هنگام بروز بحران تراکم و وضعیت بافت های شهری به لحاظ نفوذپذیری و عمر بناها و تأسیسات موجود.

منابع و مأخذ:

- رضایی، علی، ۱۳۸۴، برنامه ریزی فضایی - کالبدی پایدار سکونتگاه های غیررسمی با تأکید بر مطالعات اقتصادی و اجتماعی (نمونه مورد مطالعه: نسیم شهر / اکبرآباد)، استاد راهنما، راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه شهرسازی.
- پیران، پرویز، ۱۳۶۷، حاشیه نشینی در ایران، اطلاعات اقتصادی - سیاسی، سال سوم شماره اول.

- وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، دفتر مطالعات و تحقیقات، کمیته تخصصی (اسکان غیررسمی، شهریور ۱۳۸۰)
- آزادی، محمد و دیگران.، ۱۳۸۴، پدیده حاشیه‌نشینی (علل و راهبردها در ایران)، نشریه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال پنجم، شماره چهارم.
- حاشیه‌نشینی در ایران (علل و راه‌حل‌ها)، ۱۳۷۴، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، گزارش مرحله چهارم، بخش یکم، (برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، مسکن و شهرسازی غیررسمی).
- خراط زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۱، سکونتگاه‌های خودرو، یک راه حل یا مشکلی بدون چاره، شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۵.
- شیخی، محمد.، ۱۳۷۶، تحلیل و نقش و جایگاه مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تکیه بر شرایط ایران، سمینار سیاست‌های توسعه مسکن مشهد.
- وزارت مسکن و شهرسازی.، ۱۳۸۰، سازمان عمران و بهسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات، کمیته تخصصی اسکان غیررسمی.
- شیخی، محمد.، ۱۳۷۹، تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودروی پیرامون کلانشهر تهران (مطالعه موردی: اسلام‌شهر، نسیم‌شهر و گلستان)، استاد راهنما، اسفندیار خراط زبردست، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸، ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بر شهر کرج. ستاد ملی توانمندسازی و شهرداری کرج.
- مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸، طرح منظر شهری محله خاک سفید، سازمان نوسازی شهر تهران، شهرداری تهران.
- افروغ، عماد.، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۴۱.
- شکوئی، حسین.، ۱۳۵۵، حاشیه‌نشینی شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن تبریز، تبریز، مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.
- اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی. ۱۳۸۶. سرفصل موضوعات آموزش و مشارکت‌های اجتماعی مرتبط با شهرداری تهران. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
- ۲. الشوکی، سید یحیی. ۱۳۸۳. بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهر. مورد منطقه ۶ تهران. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- امینی، فاطمه سادات. ۱۳۸۳ نقش و جایگاه مشارکت‌های مردمی در ساختار مدیریت شهری ایران. دانشگاه تهران.

- حکمت نیا، حسن. موسوی، میرنجف (۱۳۸۳). "تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۸۰، ص ۱۲۱-۱۳۶
- شهری، شماره ۵، ص ۱۰